

گفت و گو با لیدا فضلی، کارگردان فیلم چرا سگ‌ها از گربه‌ها متنفرند؟
(بهترین فیلم کوتاه داستانی بخش بین‌الملل بیست و هفتمین جشنواره‌ی فجر)

فاصله‌ی انیمیشن‌های ما با جهان خیلی کم شده است

فیلم کوتاه «چرا سگ‌ها از گربه‌ها متنفرند؟» اولین فیلم کارنامه‌ی هنری «لیدا فضلی» است که تا کنون در جشنواره‌های مختلف داخلی موفق به کسب جوایز متعددی از جمله عنوان بهترین فیلم کوتاه داستانی بخش بین‌الملل بیست و هفتمین جشنواره‌ی فجر شده است. فضلی که دانش‌آموخته‌ی دانشگاه تربیت مدرس است، این اثر را در قالب پایان‌نامه‌ی مقطع کارشناسی‌ارشد خود ساخته و آن را اولین تجربه‌ی جدی‌اش در زمینه‌ی فیلمسازی و پویانمایی می‌داند. به بهانه‌ی موفقیت‌های متعدد این فیلم به گفت‌وگویی کوتاه با لیدا فضلی پرداختیم.

احسان هوشیارگر



ضعیف‌تر از این فیلم نباشد. الان هم که مشغول ساخت دومین اثرم هستم بسیار با وسواس کار می‌کنم تا کارم افت نداشته باشد. البته تمام این حرف‌ها به آن معنا نیست که فیلم اول من شاهکار است، اما به هر حال موفقیت‌های آن موجب می‌شود که با وسواس و دقت بیش‌تری ادامه دهم.

نکته‌ی دیگری که در این فیلم به‌شدت جلب توجه می‌کند عنوان آن است. عده‌ی معتقدند که بهتر است برای فیلم‌ها از نام‌های طولانی استفاده نشود. از سوی دیگر طرح پرسش در یک عنوان ممکن است که در مخاطب انتظار دیدن فیلمی فلسفی ایجاد کند. شما به عنوان صاحب اثر، در این نامگذاری چه اهدافی را دنبال می‌کردید؟

پس از تکمیل مراحل ساخت این فیلم در مورد نام آن با بسیاری از دوستانم به گفت‌وگو نشستیم و در این میان اکثر آن‌ها معتقد بودند که عنوان فعلی اصلاً مناسب نیست، اما من این نام را تنها نام مناسب برای این فیلم می‌دانستم. از سویی احتمال می‌دادم که روزی بخواهم اپیزودهای دیگر فیلم را هم به تصویر بکشم و آن را به شکل یک مجموعه درآورم. علاوه بر تمام این‌ها ساختار طنز این فیلم برای من امکانی ایجاد می‌کرد که به واسطه‌ی آن احساس کردم می‌توانم چنین نامی انتخاب کنم. در مورد مضمون فیلم هم باید بگویم که کاملاً وابسته

کارشناسی‌ارشد بود که وارد حوزه‌ی سینما شدم. البته از دوران کودکی و از سن بسیار کم تصمیم جدی داشتم که در زمینه‌ی پویانمایی فعالیت کنم، اما سیستم آموزشی ما به گونه‌ی طراحی شده بود که در هنگام ورود من به دانشگاه چنین امکانی برایم فراهم نبود. در آن سال‌ها رشته‌ی پویانمایی فقط در دانشکده‌ی صدا و سیما بود و من به رغم رتبه‌ی خوب و گذراندن تمام آزمون‌ها در گزینش این سازمان مردود شدم و به‌ناچار در رشته‌ی دیگری ادامه‌ی تحصیل دادم، اما بعد از تکمیل دوره‌ی کارشناسی و با ورود این رشته به دانشگاه‌های دیگر، عزمم را جزم کردم تا در این رشته به تحصیل بپردازم. در این دوره هم چند فیلم کوتاه ساختم اما از نظر خودم کیفیتشان به گونه‌ی نبود که بخواهم آن‌ها را به جشنواره‌ها بفرستم.

حالا که شما با ساخت اولین فیلمتان توانستید جوایز متعددی به دست آورید ادامه‌ی مسیر برایتان سخت نشده است؟

واقعاً دیده شدن این فیلم در جشنواره‌های مختلف و موفقیت‌های آن من را وادار می‌کند تا بعد از این به گونه‌ی کار کنم که دست کم اگر پیشرفت نداشته باشم، نسبت به اثر اولم افت نکنم. بنابراین باید طوری فیلم بسازم که

خانم فضلی، ابتدا کمی درباره‌ی چگونگی شکل‌گیری ایده‌ی این فیلم و روند ساخت آن توضیح دهید؛ با توجه به بهره‌گیری بالا از متون اقتباسی در فیلم‌های پویانمایی، آیا این فیلم هم به اقتباس ادبی پرداخته است؟

در این فیلم هیچ اقتباسی صورت نگرفته و ایده‌ی اولیه‌ی آن حاصل مدت‌ها تفکر شخصی خودم است. وقتی قصد داشتم اولین اثرم را در قالب پایان‌نامه‌ی درسی ارائه کنم به دلیل علاقه‌ام به گربه‌ها تصمیم گرفتم که به آن‌ها بپردازم. بنابراین مدت‌ها مطالعه کردم تا تمامی ویژگی‌های این حیوان را مورد توجه قرار دهم. در آن زمان قصد داشتم در فیلمی اپیزودیک و با ساختاری طنزگونه این کار را انجام دهم، اما به مرور زمان به داستان فعلی رسیدم و در نهایت هم بعد از مدتی کار، فیلم فعلی ساخته شد.

با توجه به این که شما فارغ‌التحصیل مقطع کارشناسی‌ارشد هستید احساس می‌شود که کمی دیر فعالیت حرفه‌ی خود را آغاز کردید؛ علت این تأخیر چیست؟

من در دوره‌ی کارشناسی در رشته‌ی طراحی پارچه تحصیل می‌کردم و در دوره‌ی

به دید مخاطب است؛ عده‌ی زیادی گفته‌اند که با دیدن این فیلم به برخی نکات اخلاقی و گاه فلسفی رسیده‌اند یا مثلاً یکی از داوران بخش بین‌الملل جشنواره‌ی فجر به هنگام اهدای جایزه به این فیلم عنوان کرد که این فیلم نه تنها او را خندانده، بلکه در کنار آن برخی از مسایل انسانی را هم مطرح کرده است. داستان این فیلم در واقع به پیش از آفرینش برمی‌گردد؛ زمانی که قرار است هر موجودی سرنوشت خود را از درگاه الهی دریافت کند و از قضا گریه و سگ در صف در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند. گریه که از دیدن سرنوشتش ناراضی است، با دیدن سرنوشت سگ و سوسه می‌شود که سرنوشت خود را با سگ عوض کند و در نهایت هم این کار را می‌کند اما ... من در این فیلم قصد داشتم که با بهره‌گیری از طنز این پیام را به مخاطب منتقل کنم که گاه برخی از ما در زندگی دست به زرتگی‌هایی می‌زنیم که می‌تواند سرنوشتمان را متحول کند.

در مورد اپیزودهای دیگری که برای این فیلم نوشته بودید هم تصمیمی دارید؟

بله، در ذهنم هست که در فرصتی مناسب آن‌ها را هم به یک جایی برسانم اما از آن‌جا که فیلم‌های پویانمایی بسیار زمان‌بر و پرهزینه هستند، لازم است که ابتدا تهیه‌کننده‌ی مناسب پیدا کنم و به همین دلیل اگر تصمیم جدی برای ساختشان داشته باشم باید اصولی‌تر فکر کنم.

در مورد تهیه‌کننده گفتید ...

اصولاً پیدا کردن تهیه‌کننده برای فیلم‌های کوتاه و پویانمایی، امری بسیار دشوار و وحشتناک است؛ به‌خصوص اگر شما در این میان بخواهید با مرکزی دولتی کار کنید قطعاً با مشکلات متعددی مواجه می‌شوید، چرا که معمولاً جلب مشارکت برخی از این سازمان‌ها امری بسیار دشوار است و لازمی آن این است که فرد مدت‌ها به این مراکز مراجعه کند و همواره بعد از شنیدن پاسخ منفی مسئولانشان، خود را آماده‌ی آن کند تا یک بار دیگر به گفت‌وگو بپردازد. به این ترتیب باید یک جفت کفش آهنی پوشید و هر روز به آن‌جا رفت که هر کسی هم این توان را ندارد که هر روز به این مراکز برود و پاسخ منفی بگیرد. نکته‌ی دیگر آن که در مقایسه‌ی پویانمایی با فیلم‌های کوتاه و مستند، پویانمایی به مراتب پرهزینه‌تر است و در موارد متعدد تمام سرمایه‌ی که تهیه‌کننده در اختیار کار قرار می‌دهد صرف خود فیلم می‌شود و کارگردان بعد از صرف یک تا یک‌سال و نیم زمان هیچ بهره‌ی نمی‌برد. این مسئله‌ی است که بسیاری

از فارغ‌التحصیلان این رشته را دستخوش یأس می‌کند و آن‌ها ترجیح می‌دهند وقت و انرژی خود را در کار دیگری صرف کنند که معمولاً این کار هیچ ارتباطی با رشته‌شان ندارد.

با توجه به نیاز صنعت پویانمایی به امکانات تکنولوژیک، وضعیت ایران در زمینه‌ی دسترسی به این امکانات چگونه است؟

احساس می‌کنم که طی این سال‌ها به مراتب بهتر شده، به‌خصوص در سال‌های اخیر پیشرفت‌های زیادی در این زمینه صورت گرفته و فاصله‌ی پویانمایی‌های ما با جهان خیلی کم شده و نمی‌توان گفت که از دنیا عقبیم. با این وجود هنوز در بخش سه‌بعدی، آن‌ها خیلی جلوتر از ما هستند. البته در بخش دوبعدی استفاده‌ی خوبی از نرم‌افزارهای موجود به عمل آمده و به‌تازگی نرم‌افزارهای جدیدتری هم وارد بازار شده است که همه‌ی این‌ها خوب جواب می‌دهند، اما در هر حال در بخش تکنیکی کمی از دنیا عقب مانده‌ایم و آن هم به این دلیل است که پویانمایی در ایران هنری نوپا محسوب می‌شود.

هنر نوپا؟!

بله، متأسفانه طی سال‌های گذشته توجه چندانی به این هنر نشده و به نوعی مهجور مانده بود و الآن چند سال است که توجه بیش‌تری به آن می‌شود؛ به‌خصوص در ۶ - ۵ سال گذشته شاهد پیشرفت‌های چشمگیری در این رشته بوده‌ایم که در نتیجه‌ی این پیشرفت‌ها عده‌ی زیادی به سمت این هنر رو آورده‌اند. در واقع می‌توان گفت که به نوعی این هنر تبدیل به مد شده است و من امیدوارم که این مد تغییر نکند. و اما حرف آخر ...

به عنوان یک فیلمساز جوان دوست دارم که حمایت بیش‌تری از این سینما به عمل آید؛ به‌خصوص افرادی که در این رشته تحصیل کرده‌اند در صورت بهره‌مندی از حمایت‌های کافی و همه‌جانبه قادر خواهند بود تا فعالیت خود را در این زمینه ادامه دهند. متأسفانه در حال حاضر برای ما هیچ گونه امنیت شغلی وجود ندارد، اما قطعاً در صورت حمایت و اعتماد کردن به جوانان فعال در این بخش سرمایه‌گذاران این بخش به نتایج بهتری خواهند رسید و از نظر من این حمایت بسیار مهم است و در این راستا حرف اول را می‌زند.

هم‌چنین امیدوارم روزی تعداد جشنواره‌های مستقلی که در زمینه‌ی پویانمایی برگزار می‌شوند افزایش پیدا کند، چرا که در حال حاضر تنها یک جشنواره‌ی تخصصی برای این فیلم‌ها وجود دارد که آن هم به شکل دوسالانه است. تعداد کم جشنواره‌ها باعث می‌شود که بسیاری از آثار این رشته هیچ‌گاه از شانس دیده شدن برخوردار نشوند که این مسئله با توجه به نبود فضای دیگر برای نمایش آن‌ها در نهایت می‌تواند موجب دلسردی فیلمسازان شود ■

پیدا کردن تهیه‌کننده برای فیلم‌های کوتاه و پویانمایی، بسیار دشوار و وحشتناک است! به عنوان یک فیلمساز جوان دوست دارم حمایت بیش‌تری از این سینما به عمل آید

